

بررسی تجربی مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی شرکت اصلی

محمد جواد ساعی^۱

استادیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد

مهدی عبدی

کارشناس ارشد حسابداری - دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۱۷

چکیده

سود معیار مهمی در تصمیم‌گیری و ارزیابی استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی است. اهمیت سود در این موارد یکی از دلایل مدیریت سود است. تحقیقات قبلی نشانگر وجود مدیریت سود است. تمرکز این تحقیق بر یافتن پاسخی برای این سوال است که "آیا نسبت مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی متفاوت از صورتهای مالی شرکت اصلی می‌باشد؟" برای پاسخ به این سوال، ابتدا مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی شرکت اصلی به صورت جداگانه و با استفاده از مدل‌های تعدیل شده جونز و چشم انداز آینده مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیات در سطح صنعت و در سطح کل نمونه، نشان می‌دهد که مدیریت سود در هر دو صورت مالی به صورت معنی‌داری اعمال می‌شود. نتایج تحقیق، برخلاف انتظارات، نشان داد که نسبت مدیریت سود در صورتهای مالی شرکت اصلی بیشتر از صورتهای مالی تلفیقی است. آزمون معنی‌داری تفاوت مدیریت سود در سطح صنایع، بسته به مدل‌های مورد استفاده، نتایج ناسازگاری را نشان می‌دهد.

^۱نویسنده مسئول

کلمات کلیدی: مدیریت سود، صورتهای مالی تلفیقی، ارقام تعهدی اختیاری، مدل تعدیل شده جونز، مدل چشم انداز آینده.

Consolidated and parent company earning management: an Exprimental Study

Abstract:

The earning is an important criterion of evaluation and decision making for the user of financial statements. This importance is one of the reasons for earnings management. The focus of this research is to find a response to this question: Whether the earnings management in the consolidated financial statements is different from that in the parent company financial statements?

We find that, in total sample and in industry level, earnings management is existed in both of the financial statements. At total sample, the test of difference in earnings management indicate that, earnings management in parent company financial statements is more than the consolidated financial statements. Although, the test of difference, at industry levels, show inconsistency in results.

Keywords: earnings management, consolidated financial statements, parent company financial statements, modified Jones model, Forward-Looking model.

مقدمه

گزارش‌های مالی شرکتها، به مثابه ابزاری مؤثر و مفید در فرآیند تامین اطلاعات مالی برای تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان مورد توجه قرار دارد. اتخاذ تصمیمات اقتصادی توسط استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری، با ارزیابی توان واحد تجاری جهت ایجاد وجه‌نقد، کسب سود و افزایش سرمایه صورت می‌گیرد. این ارزیابی، از طریق تمرکز بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریانهای نقدی واحد تجاری و استفاده از آنها در پیش‌بینی جریانهای نقدی موردانتظار و سنجش انعطاف‌پذیری مالی، تسهیل می‌شود. علاوه بر این، صورتهای مالی منعکس‌کننده نتایج وظیفه‌ی مباشرت مدیران یا حساب‌دهی آنها در قبال منابعی که در اختیارشان قرار گرفته است نیز می‌باشد.

مهمترین قسمت‌های اطلاعات حسابداری در صورتهای مالی منعکس می‌شود. طبق چارچوب مفهومی استانداردهای حسابداری ایران، سود نقش محوری و کلیدی در اندازه‌گیری عملکرد واحد تجاری ایفا می‌کند. به علاوه، سود مهمترین شاخصه صورتهای مالی به شمار می‌رود و افشای آن به استفاده‌کنندگان کمک می‌کند تا از آن به عنوان یک معیار مهم برای مقایسه شرکتها و میزان موفقیت مدیر در ایفای نقش مباشرتی خود قضاوت کنند. با توجه به ثنوری نمایندگی بین ارائه‌کنندگان صورتهای مالی و استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی تضاد منافع وجود دارد. این تضاد منافع باعث می‌شود مدیران در برخی از مواقع به دستکاری سود پردازند. در واقع، مدیران واحدهای تجاری به دلایل مختلف می‌کوشند از طریق کاربرد روش‌های گوناگون حسابداری، سود دوره مالی را مدیریت کنند تا عملکرد بنگاه تحت مدیریت خود را، به صورتی که صلاح می‌دانند، ارائه کنند.

تشریح و بیان موضوع

یکی از روش‌هایی که گاهی اوقات برای آرایش صورتهای مالی شرکتها، طبق خواست مدیران، مورد استفاده قرار می‌گیرد، مدیریت سود است. مدیریت سود به مداخله عمومی مدیریت در فرآیند تعیین سود در راستای اهداف دلخواه مدیریت اطلاق می‌گردد. مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی موضوعی است که تاکنون در تحقیقات علمی به شکل مقایسه‌ای با صورتهای مالی مجزای شرکت اصلی، مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به لازم الاجرا شدن استانداردهای حسابداری در ایران از سال ۱۳۸۰، تهیه صورتهای مالی تلفیقی بعد از سال ۱۳۸۰ الزامی بوده است. نکته‌ای که در مورد صورتهای مالی تلفیقی در ایران حائز اهمیت است، لزوم ارائه صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی در کنار صورتهای مالی تلفیقی می‌باشد. در نتیجه ممکن است، این دو صورت مالی به دلیل وجود مدیریت سود از نظر قابلیت اتکا در یک سطح نباشند، اما استفاده کنندگان از گزارشهای مالی می‌توانند از هر دو صورت مالی استفاده کنند. حال این سوال مطرح می‌شود که آیا نسبت مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی متفاوت از صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی است؟ به عبارت دیگر این تحقیق به دنبال ارائه شواهد غیرمستقیمی در مورد این که "کدام یک از صورتهای مالی (صورتهای مالی تلفیقی یا صورتهای مالی شرکت اصلی) از دید مدیریت استفاده بیشتری در تصمیم‌گیری استفاده کنندگان دارد"، را ارائه خواهد نمود. علاوه بر آن، این تحقیق شواهد غیرمستقیمی در مورد این که تنوع روشها و الزامات حسابداری در کدام یک از این صورتهای مالی امکان اعمال مدیریت سود را برای مدیران آسانتر می‌نماید، ارائه می‌نماید. تحقیقات گذشته [۵] نشان می‌دهد که مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران بیشتر به قصد تحریف و نه انتقال اطلاعات محرمانه‌ی مدیریت انجام می‌گیرد. به همین دلیل اثبات وجود مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی شرکت‌هایی که اقدام به ارائه صورتهای مالی تلفیقی می‌نمایند و شناسایی نسبت تفاوت احتمالی بین مدیریت سود در صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی و صورتهای مالی تلفیقی گروه، می‌تواند اطلاعات مفیدی را برای استفاده کنندگان از صورتهای مالی تلفیقی فراهم آورد. در واقع، با بالا بودن نسبت مدیریت

سود در یکی از این صورتهای مالی، می‌توان نتیجه گرفت که «مفید بودن» آن صورت مالی در امر تصمیم‌گیری کمتر خواهد بود.

مروری بر تحقیقات پیشین

تحقیقات انجام گرفته شده در مورد مدیریت سود موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرند. هر چند برخی از محققین [۳۰][۱۹][۳۶][۳۹] صرفاً به دنبال اندازه‌گیری مدیریت سود بوده‌اند، اما بطور کلی تحقیقات در مورد مدیریت سود را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود. **دسته اول** مطالعاتی هستند که به بررسی انگیزه‌های مدیریت سود می‌پردازند، **دسته دوم** ابزار اعمال مدیریت سود و **دسته سوم** آثار مدیریت سود بر واحد تجاری و محیط اقتصادی را بررسی می‌کنند.

انگیزه‌های مدیریت سود

تقریباً از همان ابتدا که مفهوم مدیریت سود توسط محققین شناسایی شد، بسیاری از تحقیقات به بررسی انگیزه‌های مدیریت سود پرداخته‌اند. انگیزه‌های مدیریت سود را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد.

۱. انگیزه‌های مربوط به تئوری نمایندگی

پاداش مدیران: نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که پاداش انگیزه‌ای برای اعمال مدیریت سود می‌باشد [۳۲][۶].

امنیت شغلی: تحقیقات نشان می‌دهد مدیران در صورت به خطر افتادن امنیت شغلی دست به مدیریت سود می‌زنند [۲۶][۱۰].

وظیفه‌مباشرتی: تحقیقات نشان می‌دهد هنگامی که عملکرد جاری یا چشم‌انداز آتی شرکت ضعیف ارزیابی شود مدیران دست به دستکاری سود می‌زنند تا عملکرد خود را بهتر نشان دهند [۳۳][۸].

۲. انگیزه‌های مربوط به بازار سرمایه

کاهش ریسک و افزایش بازده سهام: نتایج مطالعات گذشته نشان می‌دهد که مدیران برای کاهش ریسک و یا افزایش بازده سهام خود دست به مدیریت سود می‌زنند

[۱۶] در تحقیقات داخلی محمدحسین قائمی و همکاران (۱۳۸۲) به این نتیجه رسیدند که هموارسازی سود تاثیر معناداری بر بازده شرکتها نداشته است [۹].

افزایش قیمت و عرضه اولیه سهام: مدیران جهت تشویق سرمایه گذاران برای خرید سهام و افزایش ارزش بازار شرکت نیز سود را دستکاری می کنند. تحقیقات نشان می دهند مدیران قبل از عرضه اولیه سهام شرکت دست به مدیریت سود می زنند [۲۴] [۱].

عدم کارائی بازار: استفاده از اطلاعات محرمانه توسط افراد دورن سازمانی نیز انگیزه ای برای مدیریت سود بوده است. این انگیزه بطور خاص به عدم کارایی بازار تکیه دارد. تحقیقات قبلی نشان می دهد مدیران با استفاده از اطلاعات محرمانه سود شرکت را به گونه دلخواه مدیریت کرده اند [۱۹] [۴۰].

۳. انگیزه های مربوط به قراردادهای بدهی

تحقیقات قبلی [۲۱] نشان می دهد شرکت هایی که نیاز به استقراض بالا دارند در سالهای قبل از انعقاد قراردادهای بدهی سود خود را مدیریت می کنند. نتایج تحقیقات انجام گرفته در ایران [۱۱] نشان می دهد هر گاه نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام بیشتر باشد انگیزه مدیران برای مدیریت سود بیشتر می شود، هر چند در تحقیق پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) رابطه معناداری در این مورد شناسائی نشد [۴].

سایر انگیزه ها

در برخی از تحقیقات [۳۰] [۲۷] انگیزه های سیاسی و استفاده از حمایت های دولتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. برخی از محققین نیز به انگیزه هایی که در برخی از صنایع خاص وجود دارد مثل بانکداری [۱۷] و بیمه [۱۳] پرداخته اند.

ابزارهای مدیریت سود

برخی از محققین به بررسی ابزارهای مدیریت سود پرداخته اند. نتایج نشان می دهد دستکاری در مخارج اختیاری از قبیل هزینه های تحقیق و توسعه و هزینه های عمومی و فروش یکی از روش های معمول اعمال مدیریت سود است [۳۷]. علاوه بر مخارج اختیاری، دستکاری در تولید، موجودی ها و فروش نیز ابزاری برای مدیریت سود می باشد. استفاده از روش های مختلف ارزشیابی موجودی ها، تخفیف در قیمت های فروش فصل پایانی سال و

تولید بیش از حد، نمونه ای از این روشها هستند [۳۸]. مدیران از طریق زمانبندی فروش دارایی‌های غیر جاری نیز بعنوان ابزاری برای مدیریت سود استفاده می‌کنند [۱۵][۳].

تحقیقات انجام گرفته در مورد تاثیر مدیریت سود بر واحد تجاری و محیط اقتصادی

نتایج اغلب تحقیقات [۲][۳۱][۷] بیانگر این است که موسسه حسابرسی با کیفیت‌تر باعث کاهش مدیریت سود می‌شود. چرخه‌های مختلف بازار سهام نیز مورد توجه بوده است. دانشفر و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه خود رابطه بین قیمت‌های سهام و اقلام تعهدی اختیاری در چرخه‌های مختلف بازار سهام را بررسی کردند. نتایج آزمون نشان داد که بین بازده غیرطبیعی سهام و اقلام تعهدی اختیاری، در زمان ثبات بازار رابطه‌ای ضعیف، در زمان رونق بازار رابطه‌ای مثبت و قابل توجه؛ و در زمان رکود بازار رابطه‌ای منفی و قابل توجه وجود دارد [۱۸].

بر مبنای نتایج مطالعات قبلی [۲۲] می‌توان گفت که با کاهش تقارن اطلاعات مدیریت سود افزایش می‌یابد. برخی از محققین نیز ارتباط بین کیفیت افشا و مدیریت سود را مورد نظر داشتند. نتایج آنها بیانگر این است که کیفیت افشاء بالاتر مدیریت سود را کاهش می‌دهد [۱۲][۲۹].

نتایج تحقیقات [۳۴] همچنین نشان می‌دهد که استقلال بیشتر هیئت مدیره و فعال بودن کمیته حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود و اقلام تعهدی خواهد بود.

مدیریت سود و حسابداری تلفیق

تحقیقات خارجی معمولاً مدیریت سود قبل از ادغام شرکتها را بررسی نموده‌اند. نتایج برخی از مطالعات [۲۳][۳۵] نشان داد که شرکتهای خریدار قبل از ادغام اقدام به مدیریت سود می‌کنند اما بعضی از تحقیقات دیگر [۲۵][۲۸] مدیریت سودی را قبل از ادغام شرکتها مشاهده نکردند.

آیرس و همکاران (۲۰۰۲) نیز چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که شرکت‌هایی که بین دو روش خرید و اتحاد منافع مخیر بوده‌اند از روش اتحاد منافع برای مدیریت سود استفاده نموده‌اند [۱۴]. در مطالعه سوابق تحقیق در داخل کشور سابقه‌ای در رابطه با این موضوع یافت نشد.

فرضیه‌های تحقیق

مسئله اصلی تحقیق این است که آیا نسبت مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی متفاوت از صورتهای مالی شرکت اصلی است؟ برای پاسخ به سوال اصلی این تحقیق، ابتدا در فرضیه‌های اول و دوم به بررسی وجود یا عدم وجود مدیریت سود پرداخته شده است، و این فرضیه‌ها بشرح زیر تبیین شده‌اند:

فرضیه اول: نسبت مدیریت سود اعمال شده در صورتهای مالی تلفیقی از لحاظ آماری معنی‌دار است.

فرضیه دوم: نسبت مدیریت سود اعمال شده در صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی از لحاظ آماری معنی‌دار است.

ارائه همزمان صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی شرکت اصلی و استفاده همزمان از آنها جهت تصمیم‌گیری توسط استفاده‌کنندگان، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا نسبت مدیریت سود اعمال شده در صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی شرکت اصلی متفاوت از یکدیگرند. بدین ترتیب فرضیه سوم به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه سوم: نسبت مدیریت سود اعمال شده در صورتهای مالی تلفیقی تفاوت معنی‌داری با نسبت مدیریت سود اعمال شده در صورتهای مالی شرکت اصلی دارد.

قلمرو تحقیق

دوره زمانی: با توجه به الزام شرکتهای تهیه صورتهای مالی تلفیقی از ۱/۱/۱۳۸۰ به بعد، دوره زمانی این تحقیق دربرگیرنده سنوات ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۸ است.

جامعه و نمونه آماری: جامعه آماری عبارت است از کلیه شرکت‌هایی که قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند، و در سالهای ۸۶ تا ۸۸ صورتهای مالی

تلفیقی ارائه کرده‌اند. نمونه این تحقیق شامل کلیه اعضای جامعه تحقیق است که اطلاعات صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی شرکت اصلی آنها حداقل برای سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ در دسترس بوده است.

روش گردآوری اطلاعات

داده‌های مورد نیاز از لوح‌های فشرده سازمان بورس اوراق بهادار، نرم افزارهای تدبیرپرداز، ره‌آورد نوین، و پایگاه‌های داده اینترنتی بورس اوراق بهادار در سایت مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی (www.rdis.ir) جمع‌آوری شده است.

روش تحقیق

برای تعیین اقلام تعهدی اختیاری، و اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل‌های تعدیل شده جونز [۱۹] و مدل چشم انداز آینده^۲ [۲۰] استفاده شده است. برخی از محققین [۲۱] عقیده دارند چون مدل جونز و مدل‌های تعدیل شده آن، برای برآورد صحیح مدل رگرسیون نیاز به یک سری زمانی طولانی دارند بجای استفاده از سری زمانی در دوره برآورد، از روش مقطعی^۳ برای برآورد مدل استفاده گردد. در این حالت ضرایب برای هر سال به تفکیک صنایع مختلف برآورد می‌شود و بجای استفاده از سری زمانی طولانی، با افزایش تعداد نمونه در صنعت، مدل رگرسیون محاسبه می‌شود. پیسنل و همکاران (۲۰۰۰) اشاره می‌کنند که این حالت حاکم بر تحقیقات اخیر بوده و روش غالب محسوب می‌شود [۳۶]. در مدل‌ها تعدیل شده جونز و چشم انداز آتی، جمع اقلام تعهدی، به ترتیب با معادله شماره ۱ و ۲ تخمین زده می‌شود:

معادله (۱): مدل تعدیل شده جونز

$$TAC_{i,t} / TA_{i,t-1} = a(1/TA_{i,t-1}) + b(\Delta REV_{i,t} / TA_{i,t-1}) + c(PPE_{i,t} / TA_{i,t-1}) + \varepsilon_t$$

معادله (۲): مدل چشم انداز آتی

- 2 . Forward-Looking Moled.
- 3 . Cross-Sectional.

$$\frac{TAC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = a + b((1+k)\Delta Sales_{i,t} - \Delta Rec_{i,t}) / TA_{i,t-1} + c(PPE_{i,t} / TA_{i,t-1}) + d(LagTAC_{i,t} / TA_{i,t-1}) + e(GR_Sales_{i,t}) + \varepsilon_t$$

در معادلات فوق: $TAC_{i,t}$ کل اقلام تعهدی اختیاری دوره t ، $TA_{i,t-1}$ جمع دارایی های اول دوره t ، $\Delta REV_{i,t}$ خالص در آمد سالجاری بعد از کسر تغییرات حسابهای دریافتنی، $PPE_{i,t}$ دارایی ثابت مشهود دوره t ، $\Delta Sales_{i,t}$ تفاوت در فروش دوره t با دوره قبل، $\Delta Rec_{i,t}$ تفاوت در حسابهای دریافتنی دوره t با دوره قبل، $LagTAC_{i,t}$ اقلام تعهدی اختیاری دوره قبل، $GR_Sales_{i,t}$ درصد رشد فروش دوره t نسبت به دوره قبل، و k ضریب رگرسیون تغییرات حسابهای دریافتنی و تغییرات فروش بر مبنای معادله $\Delta Rec_{i,t} = \alpha + k\Delta Sales_{i,t} + \varepsilon_t$ می باشند. a, b, c, d, e ضرایب رگرسیون و ε_t خطای مدل در دوره t هستند.

بعد از برآورد کل اقلام تعهدی بر مبنای مدل فوق، تفاوت اقلام تعهدی واقعی هر دوره با رقم برآوردی محاسبه و به عنوان اقلام تعهدی اختیاری در نظر گرفته می شوند. اقلام تعهدی اختیاری شاخصی است که مدیریت سود بر مبنای آن اندازه گیری می گردد.

تفاوتهای مدل چشم انداز آینده و مدل تعدیل شده جونز

۱. در مدل تعدیل شده جونز کل تغییرات حسابهای دریافتنی از تغییرات فروش کسر می شود، اما در این مدل قسمتی از تغییرات فروش که با ضریب k به حسابهای دریافتنی بستگی دارد برگشت داده می شود. در واقع فرض بر این است که، این میزان از تغییرات فروش و حسابهای دریافتنی به مدیریت سود ربطی نداشته و بطور معمول قابل پیش بینی می باشد [۲۰].

۲. در مدل چشم انداز آینده فرض بر این است که قسمتی از اقلام تعهدی

سالجاری با استفاده از اقلام تعهدی سال قبل ($LagTAC_{i,t}$) قابل تخمین است [۲۰].

۳. آخرین تفاوت، تاثیر رشد آتی فروش بر اقلام تعهدی می باشد. به عنوان مثال شرکتی که افزایش سود در آینده را پیش بینی نماید، بطور عقلانی مانده های موجودی های خود را

افزایش خواهد داد. در این شرایط افزایش موجودی‌ها به معنی دستکاری سود توسط مدیران نیست. در حالی که، مدل جونز این افزایش را به عنوان مدیریت سود در نظر می‌گیرد. در مدل چشم انداز آینده، جهت شناسایی اینحالت از اقلام تعهدی از نسبت رشد فروش $(GR_Sales_{i,t})$ استفاده می‌کند [۲۰].

نتایج آزمون فرضیه‌ها در سطح کل شرکتها

فرضیه اول (مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی): بدون در نظر گرفتن طبقه‌بندی صنعت‌ها در هر دو مدل مورد استفاده، وجود مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی در سطح اطمینان ۹۵٪ بشرح جدول شماره (۱) تایید گردیده است.

جدول ۱ - مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی

سطح معناداری	نسبت اقلام تعهدی اختیاری	مدل	
۰/۰۰۰	۰/۱۴۷۸	مدل تعدیل شده جونز	کل شرکتها
۰/۰۰۰	۰/۱۶۴۹	مدل چشم انداز آینده	

فرضیه دوم (مدیریت سود در صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی): این فرضیه نیز به شرح جدول شماره (۲) برای کل شرکتها، در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید گردید.

جدول ۲ - مدیریت سود در صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی

سطح معناداری	نسبت اقلام تعهدی اختیاری	مدل	
۰/۰۰۰	۰/۱۹۲۴	مدل تعدیل شده جونز	کل شرکتها
۰/۰۰۰	۰/۲۵۲۸	مدل چشم انداز آینده	

فرضیه سوم (تفاوت نسبت مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی): تفاوت مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی شرکت اصلی برای کل شرکتهای با استفاده از هر دو مدل آزمون شد، و در سطح معناداری ۹۵٪ مورد تایید قرار گرفته است. بنابراین، همانگونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود، نسبت مدیریت سود محاسبه شده در صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی بصورت معنی داری بیشتر از نسبت مدیریت سود اعمال شده در صورتهای مالی تلفیقی است.

جدول ۳ - تفاوت مدیریت سود صورتهای تلفیقی و صورتهای جداگانه شرکت اصلی

فرضیه سوم	قدر مطلق تفاوت میانگین اقلام تعهدی اختیاری	میانگین اقلام تعهدی اختیاری		مدل
		صورتهای مالی تلفیقی	صورتهای مالی شرکت اصلی	
سطح معناداری				
۰/۰۰۱	۰/۰۴۴۶	۰/۱۹۲۴	۰/۱۴۷۸	مدل تعدیل شده جونز
۰/۰۱۸	۰/۰۸۷۹	۰/۲۵۲۸	۰/۱۶۴۹	مدل چشم انداز آینده

آزمون فرضیه ها در سطح هر صنعت

فرضیه اول (مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی): نتایج حاصل از آزمون این فرضیه در جدول شماره ۴ چنین نشان می دهد، که صورتهای مالی تلفیقی در تمامی صنایع مشتمل بر مدیریت سود بوده است.

جدول ۴ - مدیریت سود در صورتهای تلفیقی در سطح صنایع

فرضیه اول		مدل	صنعت
سطح معناداری	نسبت اقلام تعهدی اختیاری		
۰/۰۰۰	۰/۱۲۵۰	مدل تعدیل شده جونز	ماشین آلات و خودرو

۰/۰۰۰	۰/۱۸۰۸	مدل چشم انداز آینده	معادن و مصالح
۰/۰۰۰	۰/۱۷۲۷	مدل تعدیل شده جونز	
۰/۰۰۰	۰/۱۵۳۱	مدل چشم انداز آینده	غذائی و داروئی
۰/۰۰۰	۰/۱۳۴۹	مدل تعدیل شده جونز	
۰/۰۰۰	۰/۱۵۳۱	مدل چشم انداز آینده	

فرضیه دوم (مدیریت سود در صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی): خلاصه نتایج آزمون این فرضیه در سطح صنایع (جدول شماره ۵)، حاکی از وجود مدیریت سود در صورتهای مالی جداگانه شرکتهای اصلی در تمامی صنایع است.

جدول ۵ - مدیریت سود در صورتهای جداگانه شرکت اصلی در سطح صنایع

فرضیه دوم		مدل	صنعت
نسبت اقلام تعهدی اختیاری	سطح معناداری		
۰/۰۰۰	۰/۱۶۲۵	مدل تعدیل شده جونز	ماشین آلات و خودرو
۰/۰۰۰	۰/۱۸۶۹	مدل چشم انداز آینده	
۰/۰۰۰	۰/۲۱۳۴	مدل تعدیل شده جونز	معادن و مصالح
۰/۰۰۰	۰/۲۲۱۳	مدل چشم انداز آینده	
۰/۰۰۰	۰/۱۹۷۳	مدل تعدیل شده جونز	غذائی و داروئی
۰/۰۰۰	۰/۱۷۵۷	مدل چشم انداز آینده	

فرضیه سوم (تفاوت مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی): جدول شماره ۶ نتایج آزمون فرضیه در خصوص سنجش تفاوت نسبت مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی، را در هر یک از صنایع مورد مطالعه نشان می دهد.

**جدول ۶ - تفاوت مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی و صورتهای مالی جداگانه
شرکت اصلی در سطح صنایع**

سطح معناداری	قدر مطلق تفاوت در میانگین اقدام تعهدی اختیاری	میانگین اقدام تعهدی اختیاری		مدل	
		شرکت اصلی	تلفیقی		
۰/۰۰۵	۰/۰۳۷۵	۰/۱۶۲۵	۰/۱۲۵۰	مدل تعدیل شده جونز	ماشین آلات و خودرو
۰/۸۳۵	۰/۰۰۶۱	۰/۱۸۶۹	۰/۱۸۰۸	مدل چشم انداز آینده	
۰/۱۱۵	۰/۰۴۰۷	۰/۲۱۳۴	۰/۱۷۲۷	مدل تعدیل شده جونز	معادن و مصالح
۰/۰۰۵	۰/۰۶۸۲	۰/۲۲۱۳	۰/۱۵۳۱	مدل چشم انداز آینده	
۰/۰۰۳	۰/۰۶۲۴	۰/۱۹۷۳	۰/۱۳۴۹	مدل تعدیل شده جونز	غذائی و داروئی
۰/۲۳۸	۰/۰۲۲۶	۰/۱۷۵۷	۰/۱۵۳۱	مدل چشم انداز آینده	

همانگونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، در تمام صنایع و در هر دو مدل مورد استفاده، میانگین اقدام تعهدی اختیاری در صورتهای مالی شرکت اصلی بیشتر است. مدل تعدیل شده جونز در صنایع اول و سوم و مدل چشم انداز آینده صنعت دوم، این تفاوت را معنی‌دار شناسائی کرده‌اند. در هر حال، در هر یک از صنایع، حداقل یکی از مدل‌های مورد استفاده تفاوت مدیریت سود بین دو صورت مالی را معنی‌دار و دیگری بدون اهمیت نشان داده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یافته‌های تحقیق چنین نشان می‌دهد که "مدیریت سود در صورتهای مالی تلفیقی و همچنین صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی انجام شده است". تفاوت نسبت مدیریت سود در این دو صورت مالی در سطح کل شرکت‌ها معنی‌دار بوده و میانگین نسبت اقلام تعهدی اختیاری در صورتهای مالی جداگانه شرکت اصلی بیشتر است. اما با در سطح صنایع، اگر چه اقلام تعهدی اختیاری در صورتهای مالی شرکت اصلی بیشتر از صورتهای مالی تلفیقی است، اما در مورد وجود تفاوت معنی‌دار نمی‌توان قضاوت نمود. بنابراین، استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی این شرکتها هنگام تشکیل یا ارزیابی پرتفوی سهام، باید اثر این تفاوت را در ارزیابی‌های خود در نظر بگیرند. بگونه‌ای که هنگام انتخاب پرتفوی سهام از کل بازار، صورتهای مالی شرکت اصلی نسبت به صورتهای مالی تلفیقی، قابلیت اتکای کمتری دارد.

ولی در زمینه ارزیابی در سطح هر صنعت، صورتهای مالی شرکت اصلی و صورتهای مالی تلفیقی، از لحاظ قابلیت اتکا تفاوتی با اهمیتی با یکدیگر ندارند. با مقایسه مدل‌های مورد استفاده در این تحقیق مشاهده می‌شود که مدل چشم انداز آینده در تمام موارد نسبت اقلام تعهدی بزرگتری را نسبت به مدل تعدیل شده جونز محاسبه کرده است. اما از لحاظ معنی‌داری مدیریت سود هر دو مدل مشابه هم هستند.

محدودیت‌های تحقیق

علاوه بر محدودیت مکانی و زمانی تحقیق (شرکتهای پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۸) این تحقیق با محدودیت تغییر استاندارد شماره ۱۸ (صورتهای مالی تلفیقی) و ۱۹ (حسابداری ترکیبهای تجاری) در دوره تحقیق روبرو بوده است. اثر این تغییر در دو مورد کلی مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا تاثیر حذف روش اتحاد منافع، در نظر گرفته شد. با توجه به این که هیچ کدام از شرکت‌هایی که در نمونه تحقیق بودند، طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ از روش اتحاد منافع استفاده نکرده‌اند، این تغییر بر نتایج تحقیق تاثیری نداشته است.

علاوه بر حذف روش اتحاد منافع، مبنای محاسبه سهم اقلیت نیز از ارزش دفتری به ارزش متعارف تغییر نموده است. به علت این که اطلاعات مربوط به محاسبه سهم اقلیت،

به صورت شفاف در صورتهای مالی و یادداشتهای همراه شرکتها ذکر نمی‌شود و نیاز به اطلاعات تفصیلی و محاسباتی تلفیق دارد، میزان این تاثیر قابل اندازه گیری نمی‌باشد. البته، در تهیه صورتهای مالی تلفیقی در ایران تفاوت ارزش متعارف و ارزش دفتری، اغلب به عنوان سرففلی محاسبه می‌گردد، و با توجه به عدم تاثیرپذیری سهم اقلیت از به احتمال قوی می‌توان چنین نتیجه گرفت که تاثیر تغییر استاندارد در گزارش مبلغ سهم اقلیت، و تاثیر آن بر مبلغ صورتحساب سود و زیان ناچیز بوده است.

منابع و مأخذ:

۱. ابراهیمی کردلر، علی و حسنی آذر داریانی، الهام، (۱۳۸۵)، "بررسی مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام به عموم در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"،

بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵ (پائیز)، صص ۳-۲۳.

۲. ابراهیمی کردلر، علی و سیدی، سیدعزیز، (۱۳۸۷)، "نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری"، **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۴، صص ۳-

۱۶.

۳. ابراهیمی کردلر، علی و ذاکری، حامد، (۱۳۸۸)، "بررسی مدیریت سود با استفاده از فروش دارایی‌ها"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره

۳، صص ۱۳۲-۱۳۵.

۴. پور حیدری، امید و افلاطونی، عباس، (۱۳۸۵)، "بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه های سیاسی، طرح های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۴، صص ۵۵-۷۰.

۵. حقیقت، حمید و رایگان، احسان، (۱۳۸۷)، "نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سودها در خصوص پیش بینی سودهای آتی"، **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۵ (زمستان)، صص ۳۳-۴۶.

۶. خوش طینت، محسن و خانی، عبدالله، (۱۳۸۲)، "مدیریت سود و پاداش مدیران: مطالعه ای جهت شفاف سازی اطلاعات مالی"، **مطالعات حسابداری**، شماره ۳ (پائیز)، صص ۱۲۷-۱۵۳.

۷. ستایش، محمدحسین، قرابنی، اصغر و گل محمدی، مریم، (۱۳۸۹)، "بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر همواری سازی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۲ (۷)، صص ۳۴-۵۱.

۸. عارف‌منش، زهره و مهرانی، کاوه، (۱۳۸۵)، "بررسی هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۱، صص ۳۷-۵۶.

۹. قائمی، محمد حسین، قیطاسوند، محمود و توجکی، محمود، (۱۳۸۲)، "تاثیر هموارسازی سود بر بازده شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۳۳، صص ۱۳۱-۱۵۰.

۱۰. کاشانی پور، محمد و یعقوبی، مهدی، (۱۳۸۵)، "امنیت شغلی و مدیریت سود"، **پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی**، شماره ۲۱، صص ۸۳-۱۰۴.

۱۱. مرادی، مهدی، (۱۳۸۶)، "بررسی رابطه بین اهرم مالی و هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **تحقیقات مالی**، شماره ۲۴، صص ۹۹-۱۱۴.

۱۲. نوروش، ایرج و حسینی، سیدعلی، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین کیفیت افشاء (قابلیت اتکاء و به موقع بودن) و مدیریت سود"، **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۵، صص ۱۱۷-۱۳۴.

13. Adiel, R., (1996), "Reinsurance and the management of regulatory ratios and taxes in the property--Casualty insurance industry", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 22, PP. 207-240.
14. Ayers, B. C., C. Lefanowicz and J. Robinson, (2002), "Do firms purchase the pooling method?", **Review of Accounting Studies**, Vol. 7 (1), PP. 5-32.
15. Bartov, E., (1993), "The timing of asset sales and earnings manipulation", **The Accounting Review**, Vol. 68 (4).
16. Beyer, Anne, (2009), "Capital Market Prices, Management Forecasts and Earnings Management", **the Accounting Review**, Vol. 84, No. 6, PP. 1713–1747.
17. Collins, J., D. Shackelford and J. Wahlen, (1995), "Bank differences in the coordination of regulatory capital, earnings and taxes", **Journal of Accounting Research**, Vol. 33 (2), PP. 263-291.
18. Daneshfar, A., Zeghal, D. and Saei, M. J., (2009), "Earnings Management Effect in Different Market Cycles", **Journal of Business & Economics Research**, Vol. 7 No 8.

19. Dechow, P. and R. G. Sloan and A. Sweeney, (1995), "Detecting Earnings Management", **the Accounting Review**, Vol. 70, PP. 193-225.

20. Dechow, P. and Richardson Scott A., (2003), "Why Are Earnings Kinky? An Examination of the Earnings Management Explanation", **Review of Accounting Studies**, Vol. 8 (2-3), PP. 355.

21. DeFond, M. L. and J. Jiambalvo, (1994), "Debt covenant effects and the manipulation of accruals", **Journal of Accounting and Economics**, 17 (January), PP. 145-176.

22. Dye R., (1988), "Earnings management in an overlapping generation's model", **Journal of Accounting Research**, Vol. 26, PP. 195-235.

23. Erickson, M. and W. Wang, (1999), "earning management by acquiring firms in stock for stock mergers", **Journal of accounting and economics**, Vol. 27, PP. 149-176.

24. Friedlan, J. M., (1994), "Accounting choices of issuers of initial public offerings", **Contemporary Accounting Research**, Vol. 11(1), PP. 1-31.

25. Goodwin, A., (2009), "Earnings Management around Mergers and Acquisitions", **Doctoral Dissertation, College of Business Louisiana Tech University**, and Available: www.proquest.com.

26. Gordon, M. J., (1964), "Postulates, principles and research in accounting", **The Accounting Review**, Vol. 39, PP. 80-100 (April).

27. Han, J. C. Y. and Wong, S., (1998), "Political costs and earnings management of oil companies during the 1990 Persian Gulf Crisis", **The Accounting review**, Vol. 73, PP. 103-117.

28. Heron, R. and E. Lie, (2002), "Operating performance and the method of payment in takeovers", **Journal of Financial and Quantitative Analysis**, Vol. 37, PP. 137-155.

29. Jo, Hoje and Kim, Yongtae, (2007), "Disclosure frequency and earnings management", **Journal of Financial Economics**, Vol. 84, PP. 561-590.

30. Jones, J. J., (1991), "Earnings management during import relief investigations", **Journal of Accounting Research**, Vol. 29, PP. 193-228.

31. Jordan, C. E. and Clark, S. J. and Hames, C. C., (2010), "The Impact Of Audit Quality On Earnings Management To Achieve User Reference Points In EPS", **Journal of Applied Business Research**, Vol. 26, No. 1, PP. 19.
32. Kalyta, Paul, (2009), "Accounting Discretion, Horizon Problem, and CEO Retirement Benefits", **the Accounting Review**, Vol. 84, No. 5, PP. 1553–1573.
33. Lambert, R., (1984), "Income smoothing as rational equilibrium behavior", **The Accounting Review**, Vol. 41 (4).
34. Laux, Christian and Laux, Volker, (2009), "Board Committees, CEO Compensation, and Earnings Management", **the Accounting Review**, Vol. 84, No. 3, PP. 869–891.
35. Louis, H., (2004), "Earnings management and the market performance of acquiring firms", **Journal of Financial Economics**, 1A., PP. 121-148.
36. Peasnell, K. V., P. F. Pope and S. Young, (2000), "Detecting earnings management using cross-sectional abnormal accrual models", **Accounting and Business Research**, Vol. 30, Issue 4, PP. 313-326.

37. Perry, S. and R. Grinaker, (1994), "Earnings expectations and discretionary research and development spending", **Accounting Horizons**, Vol. 8 (4), PP. 43-51.

38. Roychowdhury, S., (2006), "Earnings management through real activities manipulation", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 42 (3), PP. 335-370.

39. Stubben S. R., (2010), "Discretionary Revenues as a Measure of Earnings Management", **The Accounting Review**, Vol. 85, No. 2, PP. 695-717.

40. Weber, Margaret, (2007), "Sensitivity of executive wealth to stock price, corporate governance and earnings management", **Review of Accounting and Finance**, Vol. 5, No. 4, PP. 321-354.

